

IN MEMORIAM

بیاد بود..

Music, when soft voices die,
Vibrates in the memory—
Odours, when sweet violets sicken,
Live within the sense they quicken.

Rose leaves, when the rose is dead,
Are heaped for the beloved's bed;

موسیقی، وقتی صداهای ملایم می میرند،
ارتعاش در حافظه -
بوها، زمانی که بنفشه های شیرین بیمار می شوند،
در حسی که آنها سریع می کنند زندگی کنید
برگ های رز، وقتی گل رز مرده است،
برای بالین معشوق انباشته شده اند؛

And so [Ardeshir's] thoughts, [now he is] gone,

Love itself shall slumber on.

و بنابراین افکار [اردشیر]، [حالا او] رفته است،
عشق خود به خواب خواهد رفت.

The Honourable member of the National Council Mr. Wehrli celebrated his memory as a champion of good will, an ambassador of this corner of paradise, the title the council bestowed upon him and he appreciated most, though he was perhaps the most highly storied and decorated diplomat of modern times.

عضو محترم شورای ملی آقای وهرلی یاد و خاطره خود به عنوان قهرمان حسن نیت، سفیر این گوشه از بهشت را گرامی داشت، عنوانی که شورا به او اعطا کرد و او بیش از همه از آن قدردانی کرد، هرچند که او شاید بلندمرتبه ترین و ممتازترین مقام دیپلمات دارای نشان های دوران مدرن بود .

His Excellency Chancellor Nahavandi, admirably illustrated the noble qualities, the magnanimous mind of our departed friend, the major role he played in shaping geopolitical history, the great events of the past century that have his fingerprints.

جناب آقای نھاوندی به طرز تحسین برانگیزی ویژگی های والای دوست، ذهن بزرگوار این دوست از دست رفته مان، نقش بزرگی را که در شکل دادن به تاریخ ژئوپلیتیک ایفا کرد، ریداد های بزرگ قرن گذشته که اثر انگشت اوست را به تصویر کشید.

Ardeshir kept roaring like a lion, throughout the seven decades of his diplomatic career, against aggression and injustice. His campaign against the Vietnam War reached the ears of the instigators. His defence of the rights of the Palestinians and other oppressed nations was with might and main, persisting that might should never ever be confused with right.

اردشیر در درازای هفت دهه چالش های دیپلماتیک خود، علیه تجاوز و بی دادگری همواره همانند شیر غرید. مبارزات او علیه جنگ ویتنام به گوش برپاکننده ها رسید. دفاع او از حقوق فلسطینیان و دیگر ملت های تحت ستم و بیدادگری بشدت قوی و با اصالت بود و هرگز نباید پافشاری و اعمال قدرت را با حق اشتباه گرفت.

The will of the Architect of Peace to replace discord with harmony, hatred with love, divisions with unity, animosity with reconciliation, making friends of former foes, was unswerving.

اراده معمار صلح برای جایگزینی اختلاف با هماهنگی، نفرت با عشق، تفرقه با اتحاد، خصومت با آشتی، دوستی با دشمنان سابق، تزلزل ناپذیر بود.

His speeches in the General Assembly of the United Nations are still resounding in the corridors, echoing, after decades, his desire to see the end of the days of domination, expansionism and power politics.

نطق های او در مجمع عمومی سازمان ملل متحد هنوز در راهروها پژواک پرآوازه دارند و پس از دهه ها بازتاب آرزوی او برای پایان دوران سلطه، توسعه طلبی و سیاست قدرت است.

Numerous were the leaders of the world who solicited his talents for mediation and face to face diplomacy – as he did in the most critical case of the hostage takings in Washington saving the lives of 183

innocent people, preventing a devastating massacre with courage and self-sacrifice.

بسیاری از رهبران جهان بودند که استعداد او را برای میانجیگری و دیپلماسی چهره به چهره خواستار شدند – همانگونه که در بحرانی ترین مورد گروگان گیری، در واشنگتن انجام داد، و جان ۱۸۳ انسان بی گناه را نجات داد و با شجاعت و از خود گذشتگی از یک کشتار همه گیر ویرانگر جلوگیری کرد.

Ardeshir Zahedi travelled to every corner of the globe from the North to the South, from the East to the West to speak to heads of states, diplomats, students, professors always to defend the true values and interests of his country and its glorious civilisation. He was a citizen of the world and yet a devout patriot with an unwavering loyalty to his beloved country, its noble people, its brilliant young generation, proudly considered as the architects of a bright future.

اردشیر زاهدی به هر گوشه و کنار جهان از شمال تا جنوب، از خاور تا باختر سفر کرد تا با سران کشورها، دیپلمات ها، دانشجویان، استادها، گفتگو کند، وی همواره از ارزش ها و منافع راستین کشورش و تمدن شکوهمند آن دفاع میکرد. او یک شهروند جهان و در عین حال یک میهن پرست با وفاداری تزلزل ناپذیر به کشور گرامی، مردم نجیب آن، نسل جوان درخشان آن بود که با افتخار به عنوان معماران آینده ای درخشان شناخته میشوند بود.

He had a dream that one day barbarity and brutality in Yemen and the rest of the world may cease and that the future may bring some wisdom to the perpetrators of the tragedies we face.

او آرزو داشت تا روزی بربریت و وحشیگری در یمن و دیگر گوشه های جهان پایان یابد و شاید آینده برای عاملان فجایع و تراژدی های دنیای ما خرد بیاورد.

For him the battle was never ending, reminding us of the heroic legacy of Ulysses':

برای او چالش هرگز پایان نداشت، و ما را به یاد میراث قهرمانانه اولیس می اندازد:

“We are not now that strength which in old days
Moved earth and heaven, that which we are, we are;
One equal temper of heroic hearts,
Made weak by time and fate, but strong in will
To strive, to seek, to find, and not to yield.”

«ما اکنون آن قدرتی نیستیم که در گذشته های دور،
زمین و آسمان را جابجا کرده ایم، همان چیزی که هستیم، هستیم؛
یک خلق و خوی مساوی از دل‌های قهرمان،
زمان و سرنوشت ضعیفش ساخته، اما اراده قوی است،
جستجو کردن، یافتن و تسلیم نشدن.»

Strong in will to strive, to seek, to find, and not to yield, the dauntless
ambassador had settled to sail beyond the sunset.

با اراده ای سترگ برای چالش، جستجو، یافتن، و تسلیم نشدن، سفیر شکست ناپذیر تصمیم گرفته بود
فراتر از فرو رفتن خورشید بادبان بیافرازد.

But above all he was a man of great heart, of a noble and generous
mind.

اما فراتر از همه، او مردی با قلب بزرگ، دارای ذهنی نجیب و سخاوتمند بود.

His greatest satisfaction was in giving and forgiving, in bringing
smiles to the faces he faced, in providing nourishment and medical
care for the war-stricken children in the impoverished countries of the
Middle East and Africa in securing the success of needy students.
Through generous endowments in the diminutive birds that
congregated to welcome him at the gate, hurried to the breakfast
room, and then followed him to the veranda to join his daily prayers
with their enchantingly sweet ditties and delicate dances.

والا ترین رضایت او در بخشش و بخشیدن، در آوردن لبخند به چهره‌هایی بود که با آنان روبرو
میشد، بخشش و ارائه خوراک و مراقبت‌های پزشکی برای کودکان جنگ‌زده، کشورهای فقیر
خاورمیانه و آفریقا، در تأمین موفقیت دانش‌آموزان نیازمند از طریق وقف‌های سخاوتمندانه بود.
در میان سخاوتمندی هایش پرندگان کوچکی که برای پیشواز از او در دروازه بامدادی گرد می‌آمدند،
با شتاب به سمت اتاق صبحانه میرفتند و سپس به دنبال او به ایوان پرواز می‌کردند تا با برچیدن
دانه های شیرین و رقص‌های ظریفشان به دعاهای روزانه اش بپیوندند.

For AZ the ultimate goal of worship was to serve humanity; to look
beyond the arrow, farther than ephemeral interests, to reach a broader
and newer horizon, one that encompasses the welfare of the whole
humanity, from A to Z.

برای اردشیر زاهدی، هدف نهایی عبادت، بجز خدمت به بشریت، نگاه به فراسوی پیکان، آنجا آن دورتر از علایق زودگذر، برای رسیدن به افقی گسترده تر و تازه تر، افقی که رفاه کل بشریت، از A تا Z (الف تا ی*) را در بر می گیرد.

*[So,] when a great man dies,
For years beyond our ken,
The light he leaves behind him lies
Upon the paths of men.*

[بنابراین] آنگاه که بزرگ مردی میمیرد،
برای سالها فراتر از ایل و تبار ما،
نوری که پشت سرش به جا می گذارد نهفته است
در راه مردان

Oui :

آری:

*La vie des grands hommes nous rappelle
Que nous aussi nous pouvons rendre notre vie sublime,
Et laisser derrière nous, après la mort,
Des empreintes sur le sable du temps.*

زندگی مردان بزرگ به ما یادآوری می کند
که ما نیز بتوانیم زندگی خود را متعالی کنیم،
و پس از مرگ پشت سر بگذاریم
رد پا روی شن های زمان.

**Speech by Dr. Parviz Amouzegar
In Memoriam of Exc. Ardeshir Zahedi
26 November 2021**

سخنرانی آقای دکتر پرویز آموزگار
بیاد بود جناب آقای اردشیر زاهدی
۲۶ نوامبر ۲۰۲۱